

جهانی شدن و سرمایه اجتماعی زنان

دکتر بیژن خواجه‌نوری* (استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز)

Bkhaje@rose.shirzu.ac.ir

دکتر علی اصغر مقدس (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز)

moqadas@shirazu.ac.ir

چکیده

جهانی شدن و سرمایه اجتماعی از مفاهیم بسیار مورد استفاده در جامعه‌شناسی معاصر می‌باشند. بررسی سرمایه اجتماعی زنان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماع مورد توجه پژوهشگران حوزه زنان می‌باشد. همچنین تحولات متأثر از جهانی شدن از دغدغه‌های دیگر این پژوهشگران به شمار می‌آید. این مطالعه با رویکردی جدید و با استفاده از مفهوم جهانی شدن به مطالعه عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی زنان پرداخته است. برای بررسی سرمایه اجتماعی زنان در فرآیند جهانی شدن یک نمونه ۲۲۶۰ نفری از زنان تهرانی، شیرازی و استهبانی به صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه‌ای خود گزارشی ارائه گردید. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که به ترتیب متغیرهای شیوه زندگی، سرمایه فرهنگی، بُعد خانوار، آگاهی نسبت به قوانین و مقررات، سرمایه مالی، شهر در معرض جهانی شدن، نگرش‌های نقش جنسیتی و نهایتاً رسانه‌های جمعی بر روی هم ۳۶/۲٪ از تغییرات سرمایه اجتماعی زنان را تبیین کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، سرمایه، شبکه‌های اجتماعی، شیوه زندگی، فناوری‌های اطلاعاتی و

ارتباطی

مقدمه

مطالعه مسائل زنان یکی از دغدغه‌های جامعه‌شناسان و پژوهشگران حوزه مطالعات زنان و دیگر اندیشمندان علوم اجتماعی و انسانی می‌باشد. نادیده گرفتن مسائل و مشکلات زنان موجب اتلاف انرژی و توانایی بخش

* نویسنده مسؤول

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۵۴-۱۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱/۳۱ تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

عظیمی از جامعه می‌شود. عدم حضور یا حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی امکان به نتیجه رسیدن بسیاری از طرح‌های اجتماعی و اقتصادی را یا بی‌نتیجه می‌سازد و یا موجب انجام ناقص آن‌ها می‌گردد. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا زنان به طور توانمند در عرصه‌های مختلف اجتماع گام بگذارند، سرمایه اجتماعی آن‌ها است. بحث بر روی عوامل و نتایج ثمر بخش سرمایه اجتماعی زنان از جمله توانمندسازی آن‌ها، بهداشت زنان و مانند آن‌ها در بسیاری از حوزه‌های مرتبط با زنان در جریان است.

داشتن سرمایه یک فرصت به شمار می‌آید و سرمایه اجتماعی به عنوان منفعتی تلقی می‌گردد که فرد یا گروهی از افراد از آن برخوردار می‌باشند (کاولی و هین، ۲۰۰۰).^۱ در دهه‌های اخیر بحث در باره سرمایه اجتماعی در خارج از ایران بسیار فراوان انجام شده و متفکران و پژوهشگران فراوانی از منظرهای مختلف این پدیده را مورد بررسی قرار داده و همچنان این مفهوم را در حوزه‌های مختلف مورد استفاده و کنکاش قرار می‌دهند. در ایران این مفهوم در چندسال گذشته به تدریج در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی مطرح گردیده و جا دارد که بر روی آن مطالعه فراوانی انجام گیرد.

از سوی دیگر زنان ایران تحت تأثیر عوامل کلانی قرار گرفته‌اند که حیات مادی و معنوی آن‌ها را به تدریج دگرگون خواهد ساخت. یکی از این فرآیندهای مهم، جهانی شدن است که عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پیرامون آن‌ها را در بر گرفته است. شکل‌گیری و گسترش و تعمیق شبکه‌های اجتماعی زنان در پرتو فرآیند و تحت تأثیر آن می‌باشد. ایران در دهه‌های گذشته و به ویژه در دو دهه گذشته با رشدی روز افزون تحت تأثیر این فرآیند بوده است (مقدس و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴؛ Internet World Stats, 2005).

هدف این مطالعه بررسی تأثیر فرآیند جهانی شدن بر سرمایه اجتماعی زنان می‌باشد. اهمیت این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که اگر ما عوامل مؤثر تأثیرگذاری را که دارای تأثیرات مثبت هستند به خوبی بشناسیم و در جهت تقویت آن‌ها برنامه‌ریزی نماییم و همچنین از سوی دیگر اثر عوامل مخرب بر سرمایه اجتماعی زنان را کاهش دهیم، می‌توانیم به بهبود شرایط حضور آن‌ها در اجتماع امیدوار گردیم.

مروری بر پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر در خارج از ایران مطالعات فراوانی بر روی مفهوم سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است. بخش محدودی از این مطالعات مربوط به زنان می‌باشد. در داخل ایران در چند سال اخیر تعداد مطالعات بر روی سرمایه اجتماعی فزونی گرفته است. مطالعه بر روی سرمایه اجتماعی زنان در ایران بسیار اندک است. در اینجا ابتدا به عمده مطالعات بر روی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی و به ویژه سرمایه اجتماعی زنان در خارج از ایران پرداخته و سپس به مطالعات داخلی توجه می‌کنیم.

در ایران همان‌طور که گفته شد، بیشتر مطالعات حول تأثیر سرمایه اجتماعی بر سایر پدیده‌های اجتماعی می‌باشد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴؛ از کیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳؛ از کیا و غفاری، ۱۳۸۰). اما در این میان مطالعات دیگری نیز هستند که به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و همچنین رابطه بین برخی از عوامل جهانی شدن و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. ناطق‌پور و فیروزآبادی در مطالعه خود ضمن آنکه سرمایه اجتماعی را به چهار عامل اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، آگاهی و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی تقلیل داده‌اند، بیان کرده‌اند که عواملی همچون تعهد دینی، تحصیلات، مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده، دین‌باوری با سرمایه اجتماعی رابطه دارند (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴). منتظر قائم و تاتار در مطالعه خود به بررسی رابطه بین اینترنت و سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های خاموش پرداخته‌اند (منتظر قائم و تاتار، ۱۳۸۴).

مطالعات در خصوص سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن فراوان می‌باشد. هیلر و فرانتز در مطالعه خود نشان داده‌اند که رایانه منبع نوینی در توسعه سرمایه اجتماعی بوده است. همچنین کشف کرده‌اند که ارتباطات از راه رایانه با شبکه‌های اجتماعی و هویت اجتماعی میان مهاجران مرتبط است (هیلر و فرانتز، ۲۰۰۴).^۱ پستمیز و برانشتینگر نتیجه گرفته‌اند که اینترنت به آرامی انگیزه‌هایی را که بر مبنای آن‌ها کنش جمعی صورت می‌گیرد، دگرگون می‌سازد و بدین جهت ماهیت کنش‌های جمعی تغییر می‌یابد (پستمیز برانشتینگر، ۲۰۰۲).^۲

شوفل و شاه در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که توانایی شخصیت که آمیزه اعتماد به نفس و ایده رهبری^۳ است، تأثیر به نسبت قوی و مستقیمی بر همه ابعاد سرمایه اجتماعی داشته است، در حالی که

1- Hiller & Franz

2- Postmes & Brunsting

3 - Opinion leadership.

متغیرهای اطلاعاتی تأثیرات به نسبت ضعیفی داشته‌اند که محدود به تعهد مدنی می‌شده‌اند (شؤفل و شاه، ۲۰۰۰).^۱

دیکستار بر این باور است که افراد مسن تر ممکن است که وسایل اولیه یک پارچگی اجتماعی را از دست بدهند. به نظر دیکستار تفاوت‌های در منابع اجتماعی و اقتصادی فقط بخشی از پاسخ به این سؤال را بیان می‌کنند. مطالعه وی نشان می‌دهد که افراد مسن تر شبکه‌هایشان دارای جهت‌گیری محدودتر و مشخص‌تر است (دیکسترا، ۱۹۹۵: ۷۹-۷۸).^۲ ولبک و سل در مطالعه دیگری که بر روی مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه و سرمایه اجتماعی انجام داده‌اند، بیان می‌دارند که بررسی بیشتر مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه نقش بنیادی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دارند (ولبک و سل، ۲۰۰۲).^۳

دیدگاه‌های نظری سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی اولین بار توسط لیداجی، هانیفان^۴ در اوایل قرن بیستم مطرح شد. اما به طور جدی‌تر در ابتدا در کارهای گلن لوری^۵ مطرح گردید. وی بر این باور بود که خاستگاه اجتماعی افراد می‌تواند بر مقدار منابعی که در نهایت برای پیش‌رفت آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود، اثر گذارد. بر این اساس استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی می‌تواند در کسب خصوصیات سرمایه فرهنگی استاندارد مفید باشد (لوری، ۱۹۷۷: ۱۷۶).^۶ ما در میان افرادی که به طور جدی به مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند، می‌توان از صاحب‌نظران بزرگی همچون بوردیو^۷، کلمن^۸، پاتنام^۹، لین یاد کرد. در اینجا به طور بسیار مختصر آراء این چهار نظریه‌پرداز را مطرح کرده و سپس به ارایه چارچوب نظری تحقیق خواهیم پرداخت.

به باور بوردیو سرمایه اجتماعی منبعی است که از شبکه پابدار ارتباط و شناخت متقابل حاصل می‌شود. دیدگاه وی به سرمایه اجتماعی دیدگاهی ابزاری است (بوردیو، ۱۹۸۵: ۲۴۹-۲۴۸). وی بر این باور است که

1- Scheufele & Shah

2- Dykstra

3- Wollebaek & Selle

4 - Hanifan, L.J.

5 - Loury, G.

6- Loury

7 - Bourdieu, P.

8 - Coleman, J.s.

9 - Putnam, R.D.

شبکه اجتماعی منابع فردی است که دستیابی به هدف‌ها را تسهیل می‌کند، خواه این هدف‌ها شخصی و یا اجتماعی باشد (ولیک و سله، ۲۰۰۲). به باور وی سرمایه اجتماعی قابل تعویض و قابل تغییر در سرمایه اقتصادی با موقعیت اجتماعی هستند و هر دوی این‌ها گروهی هستند، اما همچنین دارای ویژگی فردی می‌باشند (لین و کادوشین، ۲۰۰۴).

کلمن از دیدگاهی دیگر همچون بورديو تعريفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند. وی با تکیه بر ساختارهای اجتماعی بر این باور است که سرمایه اجتماعی به وسیله کارکردش مشخص می‌شود. سرمایه اجتماعی یک هستی واحد نیست بلکه گوناگونی‌ای از هستی‌های متفاوت است که دارای ویژگی مشترک هستند: همه آن‌ها شامل برخی جنبه‌های ساختار اجتماعی هستند و دیگر اینکه آن‌ها برخی از کنش‌های افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. جنبه‌های گوناگون شبکه‌ها و احساسات اعتماد که به اجتماع محلی حسی از اجتماع محلی بودن می‌دهد و بنابراین اعضا را قادر می‌سازد تا به منابع اجتماع محلی متکی بوده و از آن بهره‌برداری کنند، توسط کلمن به عنوان نمونه‌ها ارائه شده است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲-۴۶۵).

پاتنام^۱ نیز با تعریفی کارکردی همانند دو اندیشمند پیشین بر این باور است که مقدمه قیاس سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند (کادوشین، ۲۰۰۴). برای وی در شبکه اجتماعی این مسئله مهم است که چگونه شبکه اجتماعی انواع دیگر سرمایه اجتماعی را که شامل اعتماد و تعهد مدنی می‌شوند، از راه برهم کنشی بین مشارکت کنندگان فردی، ایجاد می‌کند (ولیک و سله، ۲۰۰۲). سرمایه اجتماعی به ارزش گروهی همه شبکه‌های اجتماعی [که مردم می‌دانند] و تمایلاتی^۲ که از این شبکه‌ها برای انجام دادن چیزها برای یک‌دیگر بر می‌خیزد [هنجارهای رابطه متقابل]، اشاره می‌کند. اصطلاح سرمایه اجتماعی به وارینه وسیعی از منفعت‌های کاملاً ویژه‌ای اشاره دارد که از اعتماد، رابطه متقابل، اطلاعات، و همکاری مرتبط با شبکه‌های اجتماعی جاری می‌شود. سرمایه اجتماعی برای مردمی که متصل هستند و - دست کم گاه - برای شاهدان واقعه نیز ارزش ایجاد می‌کند (کادوشین، ۲۰۰۴).

از دیدگاه لین، منابعی که افراد در اختیار دارند یا شخصی و یا اجتماعی هستند. منابع شخصی منابعی است که در مالکیت فرد است و منابع اجتماعی منابعی است که از راه روابط اجتماعی افراد در دست‌شان قرار

1 - Putnam.

2 - inclinations.

می‌گیرد. بنابراین، افراد گوناگون بسته به گستره و تنوع روابطشان از سرمایه اجتماعی متفاوتی برخوردار می‌گردند. سودمندی منابع شخصی که در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند چندین برابر می‌شود (لین، ۲۰۰۱). برای این اساس، به باور لین سرمایه اجتماعی و رابطه آن را با ساختار اجتماعی بیشتر می‌تواند از دو دیدگاه فردی و گروهی مورد بررسی قرار گیرد. در سطح گروهی، تمرکز بر این است که (۱) چگونه گروه‌های معین سرمایه اجتماعی را توسعه می‌دهند و کم و بیش به عنوان دارایی گروهی حفظ می‌کنند، و (۲) چگونه چنین دارایی گروهی شانس زندگی اعضای گروه را افزایش می‌دهد (همان، ۲۲). در چشم انداز فردی بنا بر نظر لین تمرکز بر این است که چگونه فرد منابع تعیبه شده در شبکه‌های اجتماعی را برای کسب عایدی در کنش‌های ابزاری (همچون یافتن مشاغل بهتر) و یا برای حفظ منابع در کنش بیانی به دست می‌آورند و مورد استفاده قرار می‌دهند (همان، ۲۱).

چارچوب نظری پژوهش

شبکه اجتماعی، هنجارها و اعتماد که ویژگی‌های زندگی اجتماعی هستند را می‌توان تحت عنوان سرمایه اجتماعی نام برد. این نوع سرمایه مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد که با یکدیگر به گونه کارآمدتری در راه‌های رسیدن به هدف‌های مشترک عمل کنند (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۶۵). ایده‌ای که اینجا از دیدگاه پاتنام می‌توان اخذ کرد، این است که سرمایه اجتماعی شرایطی را مشخص می‌سازد که در آن‌ها کنش گروهی تسهیل می‌یابد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲-۴۶۵؛ ولیک و سله).

مطالعات بر روی شبکه‌های اجتماعی - و روی هم رفته سرمایه اجتماعی - تأکید خود را بر روی پیوندهای اجتماعی می‌گذارند. این پیوندها در سطوح خرد و کلان می‌توانند عمل کنند (ریتز، ۱۳۷۴: ۵۷۷؛ کالینز، ۱۹۹۷: ۴۱۲). به نظر امرسون، ساختار شبکه مبتنی بر منابعی است که کنش‌گران در مبادله با یکدیگر به کار می‌برند (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۱۷)^۲. بر این مبنای همسو با رونالد بارت، این پژوهش بر این باور است که علائق، نگرش‌ها و رفتارهای کنش‌گران درون شبکه، به وسیله موقعیت شبکه‌شان شکل می‌گیرد (کالینز، ۱۹۹۷: ۴۱۷).

در اینجا چند نکته دارای اهمیت است. نخست اینکه، اطلاعات بیرون از شبکه به درون آن وارد و پس از پردازش آن توسط اعضا، به عنوان اطلاعات شبکه در می‌آید. دوم اینکه، اعضای شبکه تحت تأثیر شبکه و

1- Collins

2- Turner

موقعیت‌هایی که در شبکه دارند، نگرش‌هایشان شکل گرفته و رفتارهایشان متناسب با آن موقعیتشان در شبکه است. سوم اینکه، هویت افراد تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی است که در جای خود صحبت خواهد شد. تمامی این مباحث به گونه‌ای با سرمایه اجتماعی شبکه‌های اجتماعی مرتبط می‌شود. افراد در درون شبکه‌ها با استفاده از سرمایه اجتماعی شبکه همچون اطلاعات و امکانات گوناگون (لین، ۲۰۰۱: ۱۰۹)، که دارایی شبکه هستند (همان، ۲۲)، در راستای پیشینه کردن فرصت‌های خود استفاده می‌کنند. بنابراین بحث پیرامون شبکه‌های اجتماعی با بحث در مورد سرمایه‌های اجتماعی درون شبکه گره می‌خورد.

اما مکانیزم درهم کنش بین افراد در شبکه‌های اجتماعی که منجر به شکل‌گیری و یک‌پارچه شدن شبکه‌ها و در نهایت پیوند بین سطح خرد و کلان می‌شود را می‌توان با استفاده از زنجیره‌های برهم‌کنشی و مناسبی کالینز توضیح داد. به باور وی، انسان‌ها به گونه ذهنی در پی دستیابی به بیشترین حد منزلت اجتماعی هستند و توانایی‌شان در این زمینه بستگی به منابعی دارد که خود در اختیار دارند و نیز منابع آدم‌های دیگری که با آن‌ها سروکار دارند. چهار نوع منابع در اختیار افراد است که عبارتند از: ۱) منابع مادی تکنیکی که شامل دارایی، ابزار و مهارت‌هایی همچون سواد و مانند آن می‌شود، ۲) قدرت بدنی و جذابیت جسمی که در روابط شخصی نقش مهمی بازی می‌کند (والاس و ولف، ۱۹۹۱: ۱۶۰)، ۳) تعداد و انواع مردمی که با آن‌ها تماس دارند و بنابراین، با آن‌ها به امکان برای کالاهای مادی و پایگاه گفتگو دارند، و ۴) منابعی که مردم در ذخیره شیوه‌های فرهنگی^۲ برای درخواست همبستگی عاطفی دارا هستند (ترنر، ۱۹۸۶: ۴۴۴؛ والاس و ولف، ۱۹۹۱: ۱۶)

کالینز از این منابع به عنوان منابع فرهنگی یا سرمایه فرهنگی یاد می‌کند. کنش‌گرانی که منابع مادی شایان توجهی دارند می‌توانند در برابر فشارهای مادی مقاومت کنند و حتی آن‌ها را دگرگون سازند، اما آنهایی که منابع اندکی در دسترس دارند، به احتمال زیاد اندیشه‌ها افکار و اعمالشان بیشتر از افراد دسته بالا در تأثیر محیط مادیشان تعیین می‌شود. اما هنگامی که در سطوح فردی دارای سرمایه فرهنگی برابر باشند و انگیزه‌هایشان مشابه باشد، برای مثال در محاوره میان دوستان، همه شرکاء می‌توانند سرمایه فرهنگی‌شان را افزایش دهند (ترنر، ۱۹۸۶: ۴۴۵-۴۴، ولی در موقعیت نابرابر آنهایی که منابع را تحت نظارت خود دارند به احتمال زیاد می‌کوشند تا افراد

1- Wallace & Wolf

2 - Cultural Device.

فاقد منابع را است شمار کنند. کالینز دو سطح خرد و کلان را از هم تفکیک می کند. به نظر وی در سطح کلان ما دارای الگوهای ارتباطی علی هستیم که به گونه نسبی در فضا و مکان تشخیص داده می شوند (کالینز، ۱۹۹۵). کالینز برای آنکه از سطح خرد گامی فراتر نهد از سه متغیر کلان استفاده می کند که عبارتند از پراکندگی افراد در فضای فیزیکی، مدت زمانی که فرآیند اجتماعی و برخوردها رخ می دهد و تعداد افراد در گیر در تماس ها (کالینز، ۱۹۸۱). به نظر وی فرآیند شکل گیری و ائتلاف^۱ اعضا باید در موقعیت کنش متقابل شکل گیرد و فعالیت اصلی چنین موقعیت هایی گفتگوست.

برخی از مطالعات انجام شده نشان دهنده آن هستند که شیوه زندگی به عنوان یکی از عناصر فرهنگی جهانی شدن (کیدنز، ۱۳۷۸: الف: ۱۲۰) می تواند در ایجاد شبکه های اجتماعی و روابط بین کنش گران نقش داشته باشد. بر همین مبنا در مطالعه ای که لامونت و همکارانش بر روی مرزهای فرهنگی و اخلاقی در ایالات متحده انجام داده اند، دریافتند که مشارکت مردم در شیوه های زندگی^۲ متفاوت، نقش مهمی در مجموعه های فرهنگی دارد و این امر بر مرزهای فرهنگی دارد و این امر بر مرزهای فرهنگی تأثیر می گذارد (لامونت و دیگران، ۱۹۹۶^۳). پیرامون شبکه اجتماعی در سطور بالا به گونه مفصل صحبت شده، اما در اینجا لازم به ذکر است که اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی، اشکال گوناگونی را در بر می گیرد. از یک سو می توان از اعتماد قوی^۴ یاد کرد که اغلب اوقات در سازمان های با درجات بالای بستگی^۵ وجود دارد (کلمن، ۱۹۸۸؛ ولیک و سله، ۲۰۰۲؛ نیوتون، ۱۹۹۷^۶). از این نوع از سازمان ها می توان از خانواده، قبیله، جرگه های دوستان و مانند آن ها نام برد. غالب شدن چنین اعتمادی سبب می شود که افراد درون این سازمان ها نسبت به یک دیگر درجه بالایی از اعتماد را داشته باشند و این امکان نیز وجود دارد که با بی اعتمادی بالایی نسبت به افراد خارج از آن همراه باشد. چنین یک پارچگی درون سازمانی به همراه با گسست از اجتماعات بیرونی می تواند به کنش گروهی در راستای رسیدن به اهداف مشترک (مشارکت) خلدشه وارد کرده و به بیان دیگر امر تسهیل کنش گروهی را مانع شود. همین امر می تواند در سطح جامعه نیز پدیده یک پارچگی را دچار مشکل کند (ولیک و سله، ۲۰۰۲). از سوی دیگر می توان از اعتماد رقیق یا متوسط^۷ نام برد که اعتماد اجتماعی

1- Coalition.

2- Lif style clusters.

3- Lamont, et al

4- Thick.

5 - Clousure.

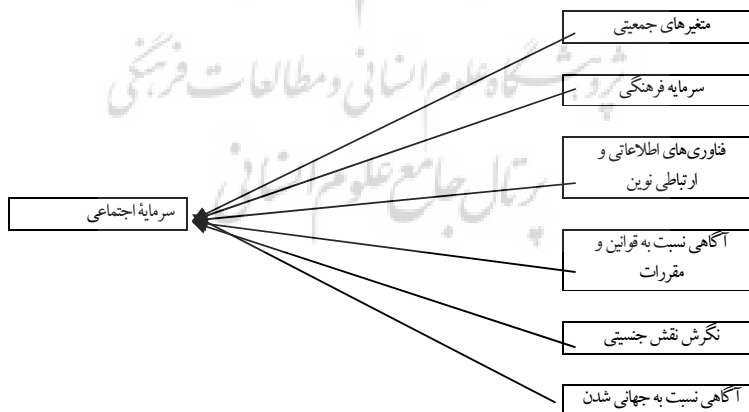
6 - Newton

7- Thin.

تعمیم یافته بین افرادی است که یکدیگر را به خوبی نمی‌شناسند، و یا همدیگر را در اصل نمی‌شناسند. این چنین اعتمادی مبتنی بر این فرض است که ساختار موقعیت مهم‌تر از ویژگی‌های شخصی افراد در آن موقعیت است (همان).

به نظر گیدنز در فرآیند مدرنیته و نوع تشدید شده آن (جهانی شدن) ما با پدیده‌ای از جا کنندگی روبرو شده‌ایم. این مفهوم با مفهوم باز جاگیری تکمیل می‌شود. به بیان دیگر با تخصیص یا ترمیم روابط اجتماعی از جا کنده شده است، به گونه‌ای که با شرایط زمانی - مکانی محلی تطبیق یابد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۴-۹۵). برای رسیدن به این وضعیت به نظر گیدنز، توانایی اعتماد در رابطه با نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی مطرح می‌شود. در این نوع از اعتماد نیازی به روبرو شدن با افراد یا گروه‌هایی که به نوعی مسئول هستند، نمی‌باشد (همان: ۹۹). در شرایطی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیته جهانی شده باشد، هیچ کس نمی‌تواند از نظام‌های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن به گونه‌ای کامل دوری کند. بنابراین در چنین وضعیتی افراد باید همان‌گونه که در ارتباطات رو در رو به دیگران اعتماد می‌کنند، در اینجا نیز اعتماد کنند گرچه همگان می‌دانند که منبع واقعی اعتماد نظام انتزاعی است (همان: ۱۰۰-۱۰۱). این وضعیت مربوط به جامعه نوین است که یکی از ویژگی‌های آن پر مخاطره بودنش است. البته، همچنان که گیدنز اذعان می‌دارد، "رویکردهای اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های انتزاعی ویژه، در معرض تأثیر شدید از تجارب ما در نقاط قابل دسترس و همچنین دانش‌های به روزی قرار دارند که از راه رسانه‌های ارتباطی و منابع دیگر در دسترس آدم‌های عادی و نیز متخصصان فنی قرار می‌گیرند" (همان: ۱۰۸). بر اساس چارچوب نظری و مطالعات پیشین مدل نظری و فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

مدل نظری تحقیق



فرضیه‌های تحقیق

- ۱) هر چه سرمایه فرهنگی زنان بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی آنها بیشتر است.
- ۲) هر چه استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی توسط زنان بیشتر باشد سرمایه اجتماعی آنها بیشتر است.
- ۳) هر چه شیوه زندگی زنان مدرن تر باشد، سرمایه اجتماعی آنها بیشتر است.
- ۴) هر چه آگاهی زنان نسبت به قوانین و مقررات بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی آنها بیشتر است.
- ۵) هر چه نگرش نقش - جنسیتی زنان تساوی گراتر باشد، سرمایه اجتماعی آنها بیشتر است.
- ۶) هر چه آگاهی زنان نسبت به جهانی شدن بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی آنها بیشتر است.
- ۷) بین متغیرهای جمعیتی (سن، تعداد فرزندان، بعد خانواده پدری، سال های ازدواج) و سرمایه اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بیشتر مبتنی بر روش پیمایشی بوده است. از پرسش نامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. پرسش های پرسش نامه، حاوی ابعاد گوناگون رفتار عینی، نگرش های افراد و ویژگی های فردی پاسخ گویان است. جامعه آماری این پژوهش زنان بین سنین ۱۶ تا ۴۵ سال ساکن در شهرهای تهران، شیراز و استهبان بوده است. گزینش به این دلیل بود که دختران نوجوانی که دست کم کلاس سوم راهنمایی را گذرانده باشند، در نمونه وارد شوند و از سوی دیگر زنان با پیشینه ۴۵ سال را نیز حد نهایی شرط سنی قرار دادیم تا تأثیرهای یائسگی (انجمن پزشکی بریتانیا، ۱۳۸۲: ۱۶ و ۳۷) را که می تواند بر روی هویت آنها اثر بگذارد، کمینه کنیم، فزون بر این سنین بالاتر، کمتر تحت تأثیر عامل های جهانی شدن بوده و هویت آنها کم و بیش تثبیت شده است. بر این اساس جمعیت زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان در گروه های سنی مورد نظر به ترتیب ۱/۶۲۲/۰۰۰، ۱۴۰/۳۸۷، ۹۶۹۸ بوده است.

واحد نمونه گیری تحقیق خانواده است. چارچوب نمونه محدوده مصوب شهرهای مورد مطالعه بود. شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای بود. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه پژوهش از روش نمونه گیری لین استفاده شد (لین، ۱۹۷۸: ۴۴۷-۴۴۶). نمونه گزینشی برای شیراز با ضریب پایایی ± 4 ، ضریب اطمینان ۹۵٪

و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۶۰۰ نفر بود و برای آنکه به کسب این تعداد از پرسش نامه تکمیل شده در شیراز برسیم، تعداد پرسش نامه‌های شهر شیراز به ۷۱۰ پرسش نامه رسانده شدند که از این میان ۷۰۶ پرسش نامه به دست آمد. در تهران با ضریب پایایی $3 \pm$ ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد تعداد نمونه گزینشی برابر با ۱۰۶۵ نفر بود. در تهران نیز به جهت آنکه این امکان وجود داشت که در هنگام توزیع برخی از پرسش نامه‌ها برگشت داده نشوند، بنابراین تعداد پرسش نامه‌های توزیع شده برابر با ۱۲۰۰ پرسش نامه بود که از این میان ۱۱۴۷ پرسش نامه از سوی پاسخ‌گویان برگردانده شدند. در استهبان، با ضریب پایایی $5 \pm$ ، ضریب اطمینان ۹۵٪ واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد، برابر با ۳۷۰ بود. برای رسیدن به این تعداد پرسش نامه، تعداد ۴۰۰ پرسش نامه در سطح شهر توزیع شد که از این میان تعداد ۳۷۵ پرسش نامه توسط پاسخ‌گویان برگشت داده شد. علت تفاوت ضریب پایایی در میان سه شهر ناهمگونی متفاوت در درون هر شهر بود.

تعریف مفاهیم

متغیر وابسته

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی درجه پیوند اجتماعی را که در اجتماع‌ها^۱ وجود دارد، نشان می‌دهد. این مفهوم به فرآیندهای بین مردمی اشاره می‌کند که شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی را برقرار می‌کنند و هماهنگی^۲ و تعاون^۳ را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کنند (مکلین و دیگران، ۲۰۰۳). در تعاریفی از گیدنز، پاتنام، کلمن و سایرین ارایه شده است، منابع، شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی به تعداد می‌آیند. در این پژوهش سه مؤلفه از چهار مؤلفه سرمایه اجتماعی یعنی منابع، شبکه و اعتماد اجتماعی مورد سنجش قرار گرفتند:

برای سنجش سرمایه اجتماعی افراد سه رویه به کار گرفته شد: (۱) تعدادی سؤال تولید کننده منبع^۴، پرسش‌ها در مورد منابع کسب اطلاعات مورد نیاز زندگی، منابع کسب اطلاعات برای جستجوی کار و منابع کسب شغل

1 - Communities.

2 - Coordination.

3 - Co-operation.

4- resource generators.

برای افراد شاغل (۲) پرسش‌های تولید کنندگی موقعیت^۱ که فهرستی از موقعیت‌ها را ارائه دادند. در اینجا از پاسخ‌گویان خواسته شد که تعداد افرادی که در میان خویشاوندان نزدیک، دوستان، آشنایان و همسایگان آن‌ها دارای مشاغل نظامی، اداری در سطوح گوناگون، فنی و تخصصی هستند ذکر کنند.

از آنجا که گیدنز اعتماد اجتماعی را به دو گروه اعتماد به افراد خاص و اعتماد به نظام‌های تخصصی تقسیم کرده است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۵)، در این پژوهش برای سنجش اعتماد به افراد خاص که پایایی این گروه‌ها ارزیابی شد، ملاحظه شد که با حذف خانواده پایایی سایر گروه‌های سازنده اعتماد به افراد خاص به ۰/۷ می‌رسد. برای سنجش اعتماد به نظام‌های تخصصی اعتماد به: صدا و سیما (رادیو و تلویزیون ایران)، مجلس قانون‌گذاری، نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی، رسانه‌های داخلی (مانند روزنامه‌ها و...)، مسجد (کلیسا، کنیسه...)، دستگاه قضایی، تشکلهای دانشگاهی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و سازمان‌های دولتی (نهاد ریاست جمهوری و...) پرسیده شد.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها مشخص شد که اعتماد اجتماعی در هر دو بعد اعتماد به افراد خاص و اعتماد به نظام‌های تخصصی تا حد زیادی ضعیف است و همچنین آزمون‌های بعدی نشان داد که متغیرهای مورد بررسی بدون ادغام نتایج به دست آمده از اعتماد اجتماعی به نظام‌های تخصصی بهتر می‌توانند سرمایه اجتماعی را تبیین کنند. اگر چه موردهای بالا فوق این ایده را به ذهن متبادر می‌کرد که اعتماد اجتماعی را در هر بُعد از سرمایه اجتماعی حذف نماییم، اما در انجام ادامه تحلیل‌های بعدی و به ویژه مدل رگرسیونی از سرمایه اجتماعی استفاده شد که شامل اعتماد اجتماعی به افراد خاص بود. در اینجا اعتماد به نظام‌های تخصصی از محاسبات خارج شد زیرا به گونه کامل توان پیشینی عامل‌های کارآمد بر سرمایه اجتماعی تضعیف می‌کرد. بنا بر این در این پژوهش، منزلت شغلی پاسخ‌گو، پدر، مادر و شوهر وی و منابع و شبکه‌های در اختیار و در دسترس فرد و همچنین تعدادی سؤال که اعتماد افراد را نسبت به افراد خاص می‌سنجیدند (اعتماد به خویشاوندان، دوستان، همسایگان و هم‌محلّی‌ها و هم‌وطنان) برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده شده است. این متغیر در سطح فاصله سنجیده شده است.

1 -Position generators.

متغیرهای مستقل

جهانی شدن: شاخص‌هایی که برای فرآیند جهانی شدن مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارت از استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، شیوه زندگی، آگاهی نسبت به قوانین و مقررات، نگرش‌های نقش-جنسیت، آگاهی نسبت به جهانی شدن می‌باشند.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی مجموعه مهارت‌ها و توانمندی‌هایی است که افراد را قادر به عمل به شیوه‌های نوین می‌سازد. بر این اساس سرمایه فرهنگی در مهارت‌ها و دانش کسب شده در افراد شکل می‌گیرد. برای سنجش این متغیر میزان تحصیلات پاسخ‌گویان، والدین آن‌ها و در صورت داشتن همسر، میزان تحصیلات همسرانشان اندازه‌گیری و به صورت یک متغیر ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است. در مطالعه حاضر این متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

سبک یا شیوه زندگی: به باور گیدنز شیوه زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد چون، نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). به باور وی یکی از پیامدهای وضعیت تجدد برای فرد در زندگی روزمره این است که شیوه زندگی برای فرد در شرایط ما بعد سنت اهمیت می‌یابد و برای فرد عامل امر اجتناب‌ناپذیر می‌شود (همانجا: ۱۱۹). فاضلی با بررسی نظریه‌های گوناگون کسانی که بر روی سبک زندگی کار کرده‌اند، شاخص‌های متنوعی که برای اندازه‌گیری سبک زندگی به کار رفته است را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است: (۱) مصرف فرهنگی، (۲) فعالیت‌های فراغت، (۳) شاخص‌های پراکنده که شامل مدیریت بدن، الگوهای خرید، نام‌گذاری کودکان، رفتار خانوادگی، الگوی مصرف غذا می‌شود. برای مثال رفتن به سینما و تئاتر، گوش دادن به موسیقی خواندن کتاب، روزنامه و مجله، دیدن تلویزیون و رسانه‌های تصویری و شرکت در انواع فعالیت‌های هنری از کارکردهای فرهنگی به شمار می‌آیند.

اگر چه گاهی مصرف فرهنگی خود می‌تواند بخشی از فعالیت اوقات فراغت به شمار آید، اما هر فعالیت فراغتی مصرف فرهنگی نیست. مصرف فرهنگی نیز همیشه در اوقات فراغت انجام نمی‌شود. برخی از فعالیت‌های اوقات فراغت که به منزله شاخص سبک زندگی از آن‌ها به شمار آمده و مورد استفاده شده است، عبارتند از ورزش و بازی، رفت و آمد با دوستان، بازدید از نمایشگاه‌ها. مدیریت بدن نیز اشاره به انواع عادات

لباس پوشیدن، آرایش موی سر و استفاده از پیرایه‌ها و همچنین شیوه‌های مدیریت بهداشت و سلامت بدن دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۸). در این تحقیق برای سنجش شیوه زندگی ۱۵ گویه که فعالیت‌های اوقات فراغت (گشت و گذار در خیابان‌ها، سینما رفتن، با دوستان، ...) و مدیریت بدن (حرکات آیروبیک، تاتو، بدن سازی، آرایش، سونا، ...) انتخاب شد. نمره بالاتر را کسانی دریافت کردند که بیشتر در این فعالیت‌ها درگیر بوده‌اند و از سبک‌های مدرن‌تر استفاده می‌کردند. ضریب آلفای این گویه‌ها برابر با ۰/۷۵ بوده است. در نهایت این متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین^۱: این فناوری‌ها شامل همه آن فناوری‌هایی می‌شود که توانایی پرداختن به اطلاعات را دارند و اشکال گوناگون ارتباطات را میان کنش‌گران انسانی، بین انسان‌ها و نظام‌های الکترونیکی و میان نظام‌های الکترونیکی را تسهیل می‌کنند (مقدس و خواجه‌نوری، ۱۳۸۵). در اینجا میزان استفاده (به ساعات) از رایانه، اینترنت و مشتقات آن همچون چت، پست الکترونیکی، موبایل و مشتقات آن همچون پیامک^۲، و در نهایت ماهواره مورد سنجش قرار گرفتند. برای سنجش این متغیر ترکیبی، از تعدادی پرسش‌هایی که میزان ساعت‌های استفاده از آن‌ها را می‌سنجد، استفاده شد. در اینجا متغیر به دست آمده در سطح فاصله‌ای بود.

رسانه‌های جمعی^۳: منظور از رسانه‌های جمعی رسانه‌هایی هستند که پیش از پیدایش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین به وجود آمده‌اند. برای مثال می‌توان در این گروه رادیو و تلویزیون داخلی را نام برد. همچنین با توجه به آزمون پایایی استفاده از ویدئو نیز بیشتر با این وسایل هم‌خوانی داشت و بنابر این با این وسایل یک‌جا جمع شد و متغیر رسانه‌های جمعی را ساخت. در اینجا نیز تعداد ساعات استفاده محاسبه شده است. این متغیر نیز در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

آگاهی نسبت به قوانین و مقررات: به نظر فوکو محدوده گفتمان نقطه تلاقی و محل گردهمایی قدرت و دانش است. هر دوره خاص تاریخی، مجموعه‌ای از قواعد و قانون‌های ایجابی و سلبی را دارد که معین می‌کند که در باره چه موضوعاتی می‌توان بحث کرد و در باره چه چیزهایی نمی‌توان بحث کرد. مجموعه سخن‌ها، نظام سخن‌ها را به وجود می‌آورند و از ترکیب نظام سخن در هر دوره، صورت‌بندی دانایی به دست

1 - ICT.

2 - SMS.

3 - Mass media.

می آید (احمدی، مقدمه مترجم بر برنز، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۲). برخی از گفتمان‌های مهمی که امروزه در فرآیند جهانی شدن به گفتمان‌های مسلط تبدیل شده‌اند، گفتمان‌های حقوق بشر و اشکال مهم آن حقوق زنان و کودکان می‌باشند. در اینجا و بنابر علایق پژوهش، برای اندازه‌گیری گفتمان آگاهی زنان از مسئله حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کودکان در منزل، در جامعه و در سطح بین‌المللی در نظر گرفته شد. برای اندازه‌گیری این متغیر تعدادی پرسش در باره آگاهی زنان از حقوق یاد شده ارائه شده است. روی هم این پرسش‌ها با یکدیگر جمع و یک متغیر فاصله‌ای را به وجود آورده‌اند. بر این اساس ضریب آلفای گویه‌های تشکیل دهنده طیف آگاهی نسبت به حقوق و قوانین برای سه شهر با ۷ گویه برابر ۰/۸۰ بود.

نگرش نقش جنسیتی: تساوی گرایی بین زن و مرد تلاش در راستای رفع نابرابری جنسیتی، بر اثر گسترش ایده‌ها و اندیشه‌های نوین توسط سازمان‌های محلی، ملی و بین‌المللی بوده است. امروزه بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که صرف نظر از نقش‌های تولید مثل کودکان، سایر نقش‌ها در جوامع به ویژه به لحاظ اجتماعی و توسط مردان که حاکمیت بلامنازع خود را در طول تاریخ حفظ کرده‌اند، تعریف شده‌اند (ماسون و اسمیت، ۲۰۰۳). مطالعات انجام شده، نشان دهنده آن است که ایدئولوژی‌هایی همچون سوسیالیسم و سرمایه‌داری بر نگرش‌های نقش جنسیتی و حقوق زنان در سطح خرد تأثیر می‌گذارند (هیون، ۱۹۹۹^۲). ایدئولوژی نقش جنسیتی مجموعه یکپارچه‌ای از ارزش‌ها یا نظریه‌ها در مورد زن و مرد است که اعضای جامعه درست، طبیعی و مناسب می‌پندارند (رابسون، ۲۰۰۳^۳). جهت‌سنجش نگرش نقش‌های جنسیتی، تعدادی گویه که نقش‌های مختلف را مطرح می‌کردند ارائه شد. بر این اساس ضریب آلفای گویه‌های تشکیل دهنده طیف نگرش نقش جنسیتی برای سه شهر با ۱۹ گویه برابر ۰/۷۵ بود. نمره بالاتر کسانی به دست آوردند که اعتقاد بیشتری به تساوی گرایی نقش جنسیتی داشته‌اند. این متغیر نیز در سطح فاصله‌سنجش شده است.

آگاهی نسبت به جهانی شدن: برای سنجش آگاهی زنان نسبت به جهانی شدن تعداد ۱۶ گویه تهیه شد. برای مثال "پیش‌رفت ایران بدون هماهنگی با سازمان‌های جهانی ممکن نیست"، "باید قوانین داخلی را بر اساس قوانین بین‌المللی تنظیم کرد"، "حل مشکلات زنان ایرانی در گرو ارتباط با سازمان‌های جهانی زنان می‌باشد" بر این اساس ضریب آلفای گویه‌های تشکیل دهنده طیف آگاهی نسبت به جهانی شدن برابر ۰/۷۰ بود.

1- Mason & Smith

2- Heaven

3- Robson

سرمایه مالی: به باور کلمن سرمایه مالی از روی ثروت یاد درآمد خانواده سنجیده می شود (کلمن، ۱۹۸۸). در این پژوهش سرمایه مالی مقدار پول دریافتی در ازای ارائه خدمات است، که عین رقم ماهیانه‌ای که توسط اعضای خانواده به دست می آید، محاسبه می شود. این متغیر در سطح فاصله‌ای اندازه گیری شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱ مقایسه میانگین بین محل سکونت و سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان را بررسی کرده است. با توجه به مقدار F جدول ($F = ۳/۱۶۹$) و سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ آن تفاوت میانگین‌ها معنی دار بوده است. همچنین با توجه به میانگین‌ها سرمایه اجتماعی زنان استهبانی (میانگین = $۳۲/۸۳$) بیش از زنان دو شهر دیگر بوده است. اما از آنجا که مشخص نبود تفاوت بین همه میانگین‌ها معنادار است و یا میانگین‌های برخی از شهرها با یکدیگر تفاوت معناداری دارند، از آزمون کمترین تفاوت معنی دار فیشر^۱ استفاده شد. هم‌چنانکه مشاهده می شود بین سرمایه اجتماعی زنان شهر شیراز با دو شهر دیگر تفاوت معناداری وجود دارد اما بین دو شهر تهران و استهبان تفاوت معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۲). از آنجا که متغیر سرمایه اجتماعی از مولفه‌های مختلفی همچون اعتماد به اشخاص، منابع اطلاعاتی مختلف و مانند آن ساخته شده است، لذا می توان این احتمال را داد که وجود برخی از مولفه‌ها در استهبان و یا برخی دیگر در تهران موجب شده است تا نمره آن‌ها را در متغیر سرمایه اجتماعی به یکدیگر نزدیک شود.

جدول شماره (۱) - آزمون تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی بدون ادغام با اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان بر

حسب محل سکونت

متغیر	تعداد موردها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
تهران	۸۴۳	۳۲/۳۶	۱۰/۶۹	۰/۳۷	۳/۱۶۹	۰/۰۴۲
شیراز	۵۶۰	۳۱/۱۷	۱۰/۰۱	۰/۴۲		
استهبان	۲۷۸	۳۲/۸۳	۱۰/۲۷	۰/۶۲		

جدول شماره (۲) - آزمون دنباله تحلیل واریانس یک طرفه
(کمترین تفاوت معنی دار فیشر)

شهر	تفاوت میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
شیراز تهران	*-۱/۱۸۸۶	۰/۵۶۷	۰/۰۳۶
استهبان	*-۱/۶۶۴۹	۰/۷۶۳	۰/۰۲۹
تهران شیراز	*۱/۱۸۸۶	۰/۵۶۷	۰/۰۳۶
استهبان	-۰/۴۷۶۳	۰/۷۱۹	۰/۵۰۸

* تفاوت میانگین در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

جدول شماره (۳) نشان دهنده تفاوت میانگین های پاسخ گویان بر حسب وضعیت تأهل آنها می باشد. هم چنانکه مشاهده می شود، افراد مجرد دارای سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به افراد متأهل می باشند. میانگین افراد مجرد (۲۵/۱۳) بیش از افراد متأهل (۱۹/۶) است. این تفاوت در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان (۰/۰۰۰ = Sig) معنی دار می باشد.

جدول شماره (۳) - آزمون تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ گویان بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	تعداد موردها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معنی داری
مجرد	۷۵۶	۲۵/۱۳	۱۰/۰۷	۰/۳۷	۱۲/۲۹	۰/۰۰۰
متأهل	۸۷۴	۱۹/۶	۸/۶۳	۰/۲۸		

مطالعه حاضر نشان دهنده آن است که افراد شاغل از سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به افراد غیر شاغل برخوردار می باشند. جدول شماره (۴) نشان می دهد که این تفاوت در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان معنی دار است (Sig = ۰/۰۰۰).

جدول شماره (۴) - آزمون تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت اشتغال

متغیر	تعداد موردها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معنی‌داری
شاغل	۴۰۲	۲۸/۳۹	۹/۲۹	۰/۴۵	۱۶/۷۵	۰/۰۰۰
غیر شاغل	۱۳۱۶	۱۹/۹۴	۸/۸۹	۰/۲۵		

جدول شماره (۵) نتایج آزمون همبستگی بین برخی از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی را با متغیر سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد. همان‌چنانکه مشاهده می‌شود، از میان متغیرهای جمعیتی، متغیرهای سن پاسخ‌گو، تعداد فرزندان، سال‌های ازدواج، بُعد خانوار پدری با متغیر سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار داشته‌اند. بین سن زنان و سرمایه اجتماعی آن‌ها رابطه معنی‌دار و معکوسی در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان وجود دارد. البته با کنترل متغیر تأهل این رابطه معنی‌دار نمی‌باشد. به بیان دیگر زنان متأهل با افزایش سن، سرمایه اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. شاید دلیل این امر درگیر شدن هر چه بیشتر آن‌ها در مسائل خانواده و به ویژه فرزندان‌شان می‌باشد. همچنین با کنترل وضعیت تأهل مشخص شد که بین تعداد فرزندان و سرمایه اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار معکوسی در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان وجود دارد. این امر خود مؤید رابطه پیشین می‌باشد. به بیان دیگر هر چه زنان دارای تعداد فرزندان بیشتری باشند، از سرمایه اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. سال‌های ازدواج از دیگر متغیرهای جمعیتی است که با سرمایه اجتماعی زنان دارای رابطه بوده است. هر چه از سال‌های ازدواج زنان بگذرد از میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. در نهایت بُعد خانواده پدری آخرین متغیر جمعیتی است که با سرمایه اجتماعی کل زنان اعم از مجرد و متأهل دارای رابطه معنی‌دار مثبتی در سطح بیش از ۹۹٪ بوده است. افرادی که در خانواده‌های پُر جمعیت رشد کرده‌اند، از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار بوده‌اند (جدول شماره (۴)).

متغیرهای نقش جنسیتی، آگاهی نسبت به جهانی شدن، آگاهی نسبت به قوانین، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و همچنین شیوه‌های زندگی متغیرهایی مرتبط با جهانی شدن می‌باشند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیرهای فوق همگی در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان با متغیر سرمایه اجتماعی دارای رابطه معنی‌دار می‌باشند (جدول شماره (۴)). بیان دیگر هر چه زنان بیشتر تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن باشند، از سرمایه

اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. چنین به نظر می‌رسد که زنانی که تحت تأثیر این فرآیند هستند، بیشتر به دنبال منابع اطلاعاتی و ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی به شکل انجمن‌ها و مانند آن‌ها هستند. همچنین متغیرهای سرمایه مالی و سرمایه فرهنگی نیز دارای رابطه معنی‌دار مثبتی در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان با متغیر وابسته بوده‌اند. در اینجا لازم به ذکر است که سرمایه فرهنگی بیشترین همبستگی را با متغیر سرمایه اجتماعی داشته است. در نهایت، متغیر رسانه‌های جمعی نیز دارای رابطه معنی‌دار و مثبتی در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان با متغیر سرمایه اجتماعی بوده است (همان جدول).

جدول شماره (۵) - رابطه همبستگی بین برخی از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی)

سرمایه اجتماعی		سرمایه اجتماعی	
سن پاسخ‌گو	۰/۱۲۰**	سرمایه مالی	۰/۲۱۷**
تعداد فرزندان	۰/۱۶۶**	سرمایه فرهنگی	۰/۲۹۷**
سال‌های ازدواج	۰/۲۵۴**	رسانه‌های جمعی	۰/۲۰۹**
بُعد خانوار پدری	۰/۲۵۸**	شیوه زندگی	۰/۳۱۹**
نقش جنسیتی	۰/۲۴۴**	آگاهی نسبت به قوانین	۰/۲۸۲**
آگاهی نسبت به جهانی شدن	۰/۱۷۱**	استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین	۰/۲۸۶**

جدول شماره ۶ نتایج تحلیل چند متغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته سرمایه اجتماعی زنان نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان‌دهنده آن هستند که از میان متغیرهای مستقل، هشت متغیر سرمایه فرهنگی، آگاهی نسبت به قوانین و مقررات، سرمایه مالی، سبک یا شیوه زندگی، نگرش‌های نقش جنسیتی و نهایتاً رسانه‌های جمعی به ترتیب وارد معادله شده‌اند.

اولین متغیر وارد معادله، سرمایه فرهنگی است. همبستگی بین این متغیر و متغیر وابسته بیش از ۰/۲۸ است. بیش از ۱۳٪ تغییرات متغیر وابسته توسط این متغیر تبیین می‌شود. دومین متغیر وارد در معادله آگاهی نسبت به

قوانین و مقررات مربوط به زنان و کودکان است. این متغیر به همراه متغیر پیشین ۱۹/۸٪ تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی زنان را پیش‌بینی می‌کند.

در مرحله سوم سرمایه مالی وارد معادله شده است. با ورود این متغیر به معادله، توان پیش‌بینی مدل به ۲۳٪ رسیده است. با ورود این متغیر در معادله ۳/۴٪ بر توان مدل افزوده شده است. سبک زندگی چهارمین متغیر وارد در مدل است. با ورود این متغیر، مدل تحقیق ۲۶٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. ۲/۹٪ توان تبیین مدل مربوط به این متغیر است. در پنجمین مرحله متغیر نگرش نقش جنسیتی وارد معادله شده است. با ورود این متغیر به معادله توان تبیین مدل به ۲۷٪ رسیده است. ۱/۲٪ تغییرات متغیر وابسته مربوط به این متغیر بوده است. در آخرین مرحله متغیر رسانه‌های جمعی وارد معادله شده است. توان مدل در این مرحله نزدیک به ۲۸٪ رسیده است. به طور کلی در مجموع این مدل توانسته است با شش متغیر مستقل بیش از ۲۸٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

جدول شماره (۶) - متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس

سرمایه اجتماعی زنان

متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig F	Beta	T	Sig. T	مراحل ورود متغیرها
سرمایه فرهنگی	۰/۳۶۵	۰/۱۳۳	۱۹۸/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲	۱۱/۳۶	۰/۰۰۰	اول
آگاهی نسبت به قوانین	۰/۴۴۵	۰/۱۹۸	۱۵۹/۱۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۲	۶/۴۲	۰/۰۰۰	دوم
سرمایه مالی	۰/۴۷۹	۰/۲۳۰	۱۲۸/۱۶	۰/۰۰۰	۰/۱۷۷	۷/۴۲	۰/۰۰۰	سوم
شیوه زندگی	۰/۵۰۹	۰/۲۵۹	۱۱۲/۷۸	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸	۵/۶۴	۰/۰۰۰	چهارم
نگرش نقش جنسیتی	۰/۲۷۱	۰/۲۷۱	۹۵/۵۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۳	۴/۵۳	۰/۰۰۰	پنجم
رسانه‌های جمعی	۰/۲۷۸	۰/۲۷۸	۸۲/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸	۳/۵۹	۰/۰۰۰	ششم

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان را در تحت فرآیند جهانی شدن در بین زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نظریه‌ای ترکیبی مبتنی بر آراء گیدنز در خصوص جهانی شدن و همچنین آراء کالینز، پاتنام و کلمن در مورد شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی هفت فرضیه استخراج گردید. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بود. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان دهنده آن بود که سرمایه اجتماعی زنان استهبانی بیش از زنان شهرهای تهران و شیراز است اما انجام آزمون روش کمترین تفاوت معنی‌دار فیشر^۱ نشان داد که تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی زنان استهبانی و تهرانی معنا دار نبوده بلکه تفاوت بین این‌ها و زنان شهر شیراز می‌باشد. دلیل افزایش میانگین سرمایه اجتماعی زنان استهبانی نسبت به شیرازی و عدم تفاوت با زنان تهرانی را می‌توان در افزوده شدن متغیر اعتماد به افراد خاص می‌باشد. اگر این متغیر را از سرمایه اجتماعی حذف کنیم، سرمایه اجتماعی زنان تهرانی و شیرازی به ترتیب بیش از زنان استهبانی است. زیرا منابع کسب اطلاعات در زنان تهرانی و سپس شیرازی بیش از زنان استهبانی بوده است.

مطالعه نشان داد که افراد مجرد بیش از افراد متأهل در ایران دارای سرمایه اجتماعی هستند. رابطه معکوس متغیرهای تعداد فرزندان و سال‌های ازدواج مؤید این رابطه هستند. از دلایل این وضعیت می‌تواند این امر باشد که زنان متأهل درگیر مسائل همسر داری و تربیت کودکان شده و در نتیجه شبکه اجتماعی آن‌ها تا حدود زیادی از این بابت کاهش پیدا می‌کند. در مطالعه حاضر متغیر سن پاسخ‌گو و سرمایه اجتماعی دارای رابطه معنادار و معکوس بودند. مطالعه دیکستار نیز نشان می‌دهد که با افزایش سن از میزان سرمایه اجتماعی افراد کاسته می‌شود (دیکستار، ۱۹۹۵: ۷۹-۷۸). همچنین منابع کسب اطلاعات آن‌ها به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. از دیگر متغیرهای مرتبط با سرمایه اجتماعی وضعیت اشتغال زنان بوده است. نتایج نشان دهنده آن است که زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل دارای سرمایه اجتماعی هستند. این می‌تواند بر این دلیل باشد که زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل دارای اطلاعات و شبکه اجتماعی هستند. داده‌های حاکی از آن بودند که درصد افراد مجرد شاغل بیش از افراد مجرد غیر شاغل بودند. این درصد در میان افراد متأهل عکس بوده است.

1 - LSD.

متغیرهای مرتبط با فرآیند جهانی شدن (نقش جنسیتی، آگاهی نسبت به جهانی شدن، شیوه زندگی، آگاهی نسبت به قوانین و مقررات و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی) با سرمایه اجتماعی زنان دارای رابطه معنی داری هستند. تحقیق منتظر قائم و تاتار نیز نشان‌دهنده رابطه اینترنت و سرمایه اجتماعی در ایران بود (منتظر قائم و تاتار، ۱۳۸۴). مطالعه شائوفل و شاه نیز اگر چه رابطه بین متغیرهای اطلاعاتی و سرمایه اجتماعی را ضعیف می‌دانست، اما نشان‌دهنده وجود رابطه بین این دو بود (شائوفل و شاه، ۲۰۰۰). در مطالعه حاضر نیز اگر چه در سطح آزمون دو متغیره بین فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار مثبت بود اما این متغیر نتوانست در سطح تحلیل چند متغیره وارد معادله رگرسیونی شود. همچنین متغیرهای سرمایه مالی، سرمایه فرهنگی با سرمایه اجتماعی زنان دارای رابطه معنی دار مثبت در سطح حداقل ۹۹٪ معنی دار بوده‌اند. یکی از مؤلفه‌های متغیر سرمایه فرهنگی میزان تحصیلات افراد بوده است. در مطالعه به رابطه بین تحصیلات و سرمایه اجتماعی اشاره شده است (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴).

بر اساس نتایج حاصل از آزمون چند متغیره می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین متغیری که سرمایه اجتماعی زنان را تبیین کرده است شیوه زندگی بوده است. متغیرهای سرمایه فرهنگی، بعد خانوار، آگاهی نسبت به قوانین و مقررات، سرمایه مالی، شهر محل سکونت، نگرش‌های نقش جنسیتی و رسانه‌های جمعی به ترتیب متغیرهای دوم تا هشتم وارد در معادله را ساخته‌اند.

به طور کلی رابطه کلی مدل رگرسیونی با حضور هشت متغیر فوق با متغیر سرمایه اجتماعی رابطه نسبتاً قوی ($R=0/602$) و قدرت تبیین مدل در پیش‌بینی تغییرات متغیر فوق بیش از ۳۶٪ بوده است ($R^2=36/2$).

فهرست منابع

- از کیا، م. و فیروزآبادی، ا (۱۳۸۳): "سرمایه اجتماعی و نقش آن در شکل‌های تولیدی"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۴۹-۷۲.
- از کیا، م. و غفاری، غ (۱۳۸۰): "بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، صص ۳۱-۳.
- برنز، ا (۱۳۸۳): *میشیل فوکو، ترجمه بابک احمدی*، تهران، نشر ماهی.
- چلیبی، م و مبارکی، م (۱۳۸۴): "تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۲، صص ۳-۴۴.

- دوفیلیس، ج (۱۳۸۵): اسطوره سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماع، ترجمه امیر نصرت روحانی، فصلنامه اقتصادسیاسی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۷۱-۱۹۱.
- ریتر، ج (۱۳۷۴): نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران انتشارات علمی.
- کلمن، ج (۱۳۷۷): بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آ (۱۳۷۷): پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- فاضلی، م (۱۳۸۲): مصرف و سبک زندگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- مقدس، ع.ا و خواجه‌نوری، ب (۱۳۸۴): "جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، بررسی موردی دو شهر شیراز و استهبان"، مجله مطالعات زنان، سال سوم، شماره ۷، صص.
- منتظر قائم م و تاتار، ع (۱۳۸۴): "اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش"، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پاییز و زمستان، ۱ (۴)، صص ۲۲۳-۲۴۵.
- ناطق پور، م. ج و فیروز آبادی، آ (۱۳۸۴): "بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، صص ۵۹-۹۱.

- Bourdieu, P. (1985): "The forms of capital" in *Hand Book of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Green Wood.
- Collins, R. (1997): *Theoretical Sociology*, New Delhi, Rawat Publications.
- (1995). "Prediction in macrosociology: the case of the Soviet collapse", *American Journal of Sociology*, Vol. 100, No. 6, pp. 1552-1593.
- (1981), "On the microfoundation of macrosociology." *American Journal of Sociology*, Vol. 86, No.5. 984 - 1014.
- Coleman, J.S. (1988): "Social capital in the creation of human capital", *American Journal of Sociology*, Vol. 94, S95- S121.
- Cowley, S. & Hean, S. (2002): "Social capital in primery health care.", *Primary Health Care Research and Development*, Vol. 3:, 207-209.
- Heaven, P. C. L. (1999): "Attitudes towards women's rights: Relationships with the social dominance orientation and political group identities.", *Sex roles*, Vol. 41, issue 7/8, pp. 605-615.
- Hiller, H. H. and Tara M. Franz (2004): "New ties, old ties and lost ties: The use of the internet in diaspora", *New Media & Society*, Vol. 6, No. 6, pp. 731-752.
- Internet World Stats (2005): "Internet usage in the Middle East", [Online]. <<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>>. [17 Sept 2005].

- Kadushin, C. (2004): "Review too much investment in social capital?" *Social Network*, 26, pp. 75-90.
- Lin, N. (2001): *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge University Press, New York, p. 22.
- Loury, G. (1977): "A dynamic theory of racial income differences.", In *Women, Minorities and Employment Discrimination*, Lexington: MA, Health.
- Mason, K. O. & Herbert L. Smith, (2003): "Women's empowerment and social context: results from five Asian countries." [Online]. <http://www.13323_womens_empowerment-1.pdf>. [16 oct 2004].
- Postmes, T., Suzanne Brunsting (2002): "Collective action in the age of the internet", *Social Science Computer Review*, Vol. 20, No. 3, pp. 290-301.
- Putnam, R. D. (1995): "Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America", *Political Science and Politics*, Vol. 28, pp. 664-683.
- Scheufele, D. A. & Shah Dhavan V. Shah (2000): "Personality strength and social capital: The role of dispositional and informational variables in the production of civic participation.", *Communication Research*, Vol. 27, No. 2, pp. 107-131.
- Turner, J. H. (1998): *The Structure of Sociological Theory*, California: Wadsworth Publishing Company Belmont
- (1986). *The Structure of Sociological Theory*, California: Wadsworth Publishing Company Belmont.
- Wollebaek, D. & Per Selle (2002): "Does participation in voluntary associations contribute to social capital? The impact of intensity, scope, and type.", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, Vol. 31, No. 1, pp. 32-61.